



مرگ «الکساندر دلماتوف»؛ فعال سیاسی اهل کشور روسیه در کمپ دیپورت پناهجویان روتردام!

«طاها زینالی»

خطر دیپورت

وضعیت پذیرش درخواست‌های پناهندگی در کشورهای اروپایی از جمله در کشور هلند اسفناک است. در واقع می‌توان گفت تنها عده‌ی خیلی کمی از جمع پناهجویان موفق به دریافت پناهندگی می‌شوند و بسیاری دیگر با پاسخ‌های منفی در دست، وارد فاز دشواری از زندگی آوارگی خود می‌شوند. با این حال دریافت پاسخ منفی لزوماً به معنای برگرداندن به کشور مبدا نیست، و طبق آن چه گفته می‌شود اجرای دیپورت به برخی کشورها که سرکوب و پیگیری پلیسی و دولتی در انتظار پناهندگان است نباید انجام شود. اما گفته‌ها با عمل بسیار فاصله دارد. مثلاً همه‌ی کشورهای اروپایی مدعی هستند دیپورت پناهجویان به ایران را متوقف کرده‌اند، ولی در همین چند سال اخیر و حتی پس از خیزش مردمی ۸۸ و هر چه عریان‌تر شدن سرکوب‌ها و احکام قضایی و ... توسط جمهوری اسلامی، پناهندگان ایرانی در کشورهای مختلف در خطر دیپورت قرار داشته و دارند و برخی از کشورها (از جمله سوئد) بارها دیپورت به ایران را انجام داده‌اند. با این همه به گفته‌ی بسیاری از پناهندگان باتجربه و افراد آشنا به امور پناهجویی، اگر پناهجو سابقه‌ی فعالیت سیاسی در کشور خود را داشته باشد و در ضمن کشورهای اروپایی (به طور مشخص کشور میزبان) حکومت کشور مبدا را به طور قطع سرکوبگر بدانند، امکان دیپورت شدنش به مراتب کمتر خواهد بود.

رویکرد انتقادی دولت هلند نسبت به سرکوبگری دولت روسیه، در رسانه‌های هلندی زبان

شبکه‌های تلویزیونی هلند به ناآرامی‌ها و اعتراضات در برخی کشورها بسیار توجه دارند و اغلب تجمعات اعتراضی و خیزش‌های مردمی و نیز سرکوب دولتی همراه با آن، در آن کشورها توسط رسانه‌های این کشور پوشش داده می‌شود. روسیه یکی از این کشورها است؛ کشوری که به طرز پیچیده‌ای ساختار سیاسی حکومتی‌اش با مافیای اقتصادی هماهنگی پیدا کرده و نارضایتی‌های عمیق اجتماعی سبب افزایش مخالفان سیاسی و اعتراضات مردمی گشته است و البته سرکوب دولتی و پیگیری پلیسی نیز با شدت تمام اعمال می‌شود و حتی احکام قضایی مختلف نیز گریبانگیر معترضان و مخالفان رژیم حاکم می‌گردد. دولت هلند در این باره حتی پا را از حد پوشش رسانه‌ای فراتر گذاشته است و چندین بار بیانیه‌هایی در مورد نقض «حقوق بشر» در روسیه صادر کرده و در مورد ضرورت رعایت



حقوق بشر به دولت روسیه تذکر داده است. بنابراین می‌توان گفت ظاهراً دولت هلند سرکوب مخالفین در کشور روسیه را امری واقعی و جدی تلقی می‌کند.

مرگ الکساندر ولنتای و اظهارات عجیب مسئولین دولت هلند

الکساندر دل‌ماتوف، پناهجویی از کشور روسیه بود که پنج‌شنبه شب در کمپ دیپورت پناهجویان (expulsion center) در شهر روتردام هلند جان خود را از دست داد. پلیس هلند با استناد به یافتن نامه‌ای با دست‌خط وی که خطاب به مادرش نوشته شده، علت مرگ را خودکشی اعلام کرده است. البته پلیس اضافه کرده است که وی دو روز قبل از مرگش که در یک کمپ دیگر در آمستردام بوده (!) نیز اقدام به خودکشی کرده بود. پلیس هلند از ارائه‌ی هر گونه توضیح بیشتر سر باز زده است. وکیل الکساندر اما معتقد است که ممکن است نوشتن نامه تحت فشار صورت پذیرفته باشد. وی به رویکرد پلیس در رابطه با ساده کردن پرونده و این که با قطعیت مرگ وی خودکشی تشخیص داده شده و در ضمن از انتشار اطلاعات بیشتر امتناع می‌شود مورد انتقاد قرار داده است. از طرف دیگر حتی اگر او خودکشی کرده باشد، با توجه به این که او برای درخواست پناهندگی‌اش پاسخ منفی دریافت کرده و به دلیل مواجه بودن با خطر دیپورت به روسیه تحت فشار بوده است، می‌توان گفت فشارهای روانی حاصل از زیستن در چنین وضعیت ناامیدانه‌ای تنها دلیل منطقی برای چنین اقدامی به نظر می‌رسد. وضعیتی که بسیاری دیگر از پناهجویان را با مشکلات عمیق روحی روانی روبرو می‌کند. در ضمن به گفته‌ی وکیل الکساندر، او به شدت به نحوه‌ی برخورد سازمان پناهندگی دولت هلند نسبت به درخواست خود معترض بوده و دائماً از دولت هلند انتقاد می‌نموده است. با این حال سفیر هلند در روسیه به دولت روسیه اطمینان داده است که دلیل خودکشی وی وضعیت پناهندگی‌اش نبوده و احتمالاً علت دیگری داشته است. البته از آن علت احتمالی دیگر هم هیچ سخنی در میان نیست. ناگفته نماند؛ خود این که مقامات هلندی خود به حکومت کشوری که وی از آنجا فرار کرده چنین اطمینانی می‌دهد خود مضحک به نظر می‌رسد.

گریز از تعقیب پلیس امنیت روسیه و فرجام تراژیک

اما سابقه‌ی فعالیت الکساندر دول‌ماتوف در روسیه به عنوان اپوزوسیون سیاسی و دلایل ترک آن کشور و اظهارات وی در مورد تهدیدهای امنیتی و نیز سابقه‌ی شغلی‌اش؛ همه و همه نشان از آن دارد که خطر دیپورت به عنوان در خطر قرار گرفتن امنیت جانی وی چه میزان جدی بوده و وی تحت چه فشار روحی و استرس روانی خرد کننده‌ای قرار داشته است. الکساندر؛ در روسیه به عنوان مهندس راهبردی در کارخانه‌ی مخفی نظامی در زمینه‌ی ساخت



موشک مشغول به کار بود! وی از حامیان و اعضای حزب ثبت نشده‌ی «روسیه‌ای دیگر» بود که در انتخابات فوریه‌ی گذشته به نتایج انتخابات اعتراض داشتند و در همین راستا پس از اعلام نتایج انتخابات، در تجمعات اعتراضی در خیابان‌ها حضور فعالی داشتند. وی از فعالان حاضر در تظاهرات بزرگ میدان بولوتناپای مسکو در ۶ می بود؛ تظاهراتی که به شدیدترین شکل توسط نیروهای ضد شورش روسیه سرکوب شد. او در آن روز توسط پلیس بازداشت می‌شود و پس از سی و شش ساعت بازجویی به قید ضمانت آزاد می‌گردد. اما پس از آزادی با گروهی از فعالین آنارشویست (ستون آنارشویست‌ها) که در تظاهرات ۶ می فعال بودند ارتباط می‌گیرد و به گفته‌ی خود وی کسانی را که واقعا می‌شد در کنار آنها با ساختار قدرت جنگید می‌یابد. اما بعد از مدتی متوجه می‌شود که توسط پلیس امنیتی روسیه افاس‌بی تحت نظر قرار دارد. سپس افاس‌بی (Federal Security Service) با او تماس می‌گیرد و از این پس تهدیدها علیه جان وی آغاز می‌شود. الکساندر که پس از آگاهی از جدی بودن خطر به او کراین فرار می‌کند، به طور مستمر با تهدیدهای افاس‌بی روبرو می‌گردد که او را از ارائه‌ی اطلاعات محرمانه‌ای که در آن بوده منع می‌نمودند. او پس از مدتی به کشور هلند رجوع کرده و درخواست پناهندگی خود را ارائه می‌کند. وی پس از ارائه‌ی درخواست پناهندگی در کشور هلند با روزنامه‌ی گازتا مصاحبه‌ای می‌کند * و داستان خود را در فضای عمومی منتشر می‌نماید. در بخشی از این مصاحبه الکساندر می‌گوید «من هرگز اطلاعاتی به جز آن چه در اختیار داشتم را بر نداشتم. و هرگز خود را در شرایطی قرار نخواهم داد که برای بهتر شدن وضعیتم از اطلاعاتی که در دست دارم بهره ببرم.»

حلقه‌های مکمل چرخه‌ی سرکوب فعالین اجتماعی و معترضان به وضع موجود

این که درخواست پناهندگی فردی همچون فعالیت الکساندر که دارای تحصیلات و شغل حساس بوده و سابقه‌ی فعالیت سیاسی و حتی بازداشت در جریان اعتراضات خیابانی در روسیه را در پرونده‌ی خود داشته و پیش‌تر با اخبار مربوط به وی در رسانه‌های عمومی منتشر شده است، هم جواب رد دریافت می‌کند؛ این که با وجود ناامن بودن کشور روسیه برای معترضان و مخالفان ساختار قدرت، وی در کمپ بازگشت به کشور خود و در تهدید دیپورت قرار داده می‌شود؛ و در نهایت پایان تراژیک زندگی پناهجویی او و مرگ مشکوک وی و اظهارات عجیب مسئولین هلندی؛ همه و همه به گویاترین شکل ممکن رویکرد متناقض دولت هلند و خصوصا ضد انسانی بودن سیاست پناهندگی این کشور را آشکار می‌کند. در واقع دولت هلند نه تنها به الکساندر و پناهجویانی با سرنوشت مشابه او پناه نمی‌دهد بلکه بر خلاف ادعاهای گزاف اعتراض‌اش به سرکوب‌گری دولت‌های (به اصطلاح) «غیر دموکراتیک»، نه تنها پناهجویانی که از این سرکوب‌گری فرار کرده‌اند را پذیرا نیست بلکه آنها را وارد پروسه‌ای



مستهلك کننده با فشارهای روانی بسیار و بلا تکلیفی و ناامیدی فزاینده قرار می‌دهد تا جایی که پروسه برای پناهجو کشنده می‌شود. به این ترتیب پروسه‌ی پناهندگی در این کشور حلقه‌ی مکمل سرکوب‌گری در کشورهای مبدا شده و سیاست‌ورزی این کشورها در این چرخه در امتداد هم قرار می‌گیرد.

منبع: پراکسیس

* لینک مصاحبه‌ی الکساندر دولماتوف با روزنامه‌ی گازتا